

# عرفان و ولایت محور

محمد باقر روضی

مگر در عرفان، مرشد، پیر راه، خضر طریق، راهنما و... از ضروریات سیر و سلوک تا درجه شهود معرفی نشده است؟ مگر اطاعت محض و تبعیت صرف از چنین راهنمایان و راهبرانی مطالبه نشده است؟ حال باید پرسید کدام انسان‌ها صلاحیت تام و تمام برای راهبری و راهنمایی و هدایت همه جانبه و آن‌گاه تبعیت کامل را دارند؟ به راستی چه کسانی‌اند که پذیرش ولایت آنها به معنای پذیرش مرجعیت اعتقادی، اخلاقی-سلوکی و اجتماعی، و عشق‌ورزی و مهرورزی محض به آنها سرمایه سلوک و -از همه مهم‌تر- سیر در صراط مستقیم الهی خواهد بود؟ مگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت پاکش، چنین مقام و منزلتی ندارند؟ چه عقلانی و دل‌پذیر است که انسان صائر و سالک الی‌الله خویشتن را به چنین انسان‌هایی بسپارد و سرسپرده و دلداده آنان باشد که معیت معرفتی-معنویتی با آنان و خشر عقلی و روحی با چنین انسان‌هایی که ائینه داران حقند، انسان را الهی کرده و به سر منزل مقصود می‌رسانند.

انسان‌هایی که فتح قلعه‌های کمال و تکامل، تنها در همراهی با آنها و فهم آموزه‌های آنان و انجام دستورات آنها و تخلق به اوصاف ملکوتی آنان ممکن خواهد شد؛ آنان که در مقام عصمت قرار گرفته و الگوی تمام عیارند و عرفان علمی و عملی مبتنی بر صدق و حق را فراروی انسان قرار می‌دهند. ذره‌ای کژی، تخلف و اختلاف در صراط آنان نخواهد بود و عرفان جامع و کامل را نشان می‌دهند.

انسانی که تحت تعلیم و تربیت انسان کامل معصوم صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد و

اشاره: در بخش‌های پیشین مقوله «عرفان عبودیت محور» مطرح شد که عرفان قرآنی و سلوک و حیانی بر گوهر بندگی و جوهر عبودی مبتنی است و عزت عارف، در عبودیت الهی رقم می‌خورد. عبودیت، جوهری است که کُنه و درون‌مایه آن، ولایت الهی است؛ یعنی رسیدن به اینکه تحت تدبیر محض خداوند و اراده الهی است. در این مقام، عبد سالک، چیزی غیر از آنچه معبودش اراده کند، نخواهد داشت و همه شؤون حیات و هستی‌اش فانی در خدا است و جهان فانی و باقی را فدای شاهد و ساقی می‌کند. او چنان اعتلایی می‌یابد که از خوف جهنم و شوق جنت عبور می‌کند و عشق بندگی و شوق دیدار، همه هستی‌اش را پوشش می‌دهد. اکنون پرسش این است که در «عرفان عملی قرآنی» چه حقیقتی است که عارف و سالک را به منزلت «عبودیت» و آن‌گاه مقام «عندیت» می‌رساند و تاج کرامتش و جایزه سلوک و ریاضتش، «عبده و رسوله»، «نعم العبد»، «أسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی...»، «فاوحی الی عبده ما اوحی» و... خواهد شد؟ راز و رمز سلوک عبودی در چیست؟

## ولایت محوری

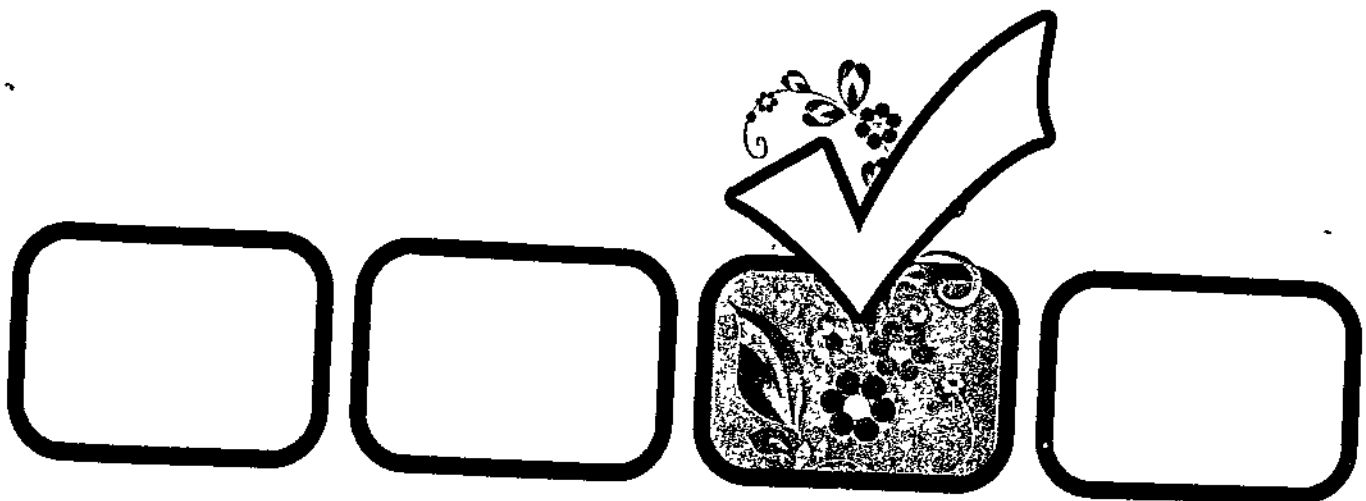
پاسخ آن است که عرفان قرآنی-عترتی، عرفان مبتنی بر هدایت انسان کامل معصوم است؛ عرفانی است که ساختار و جانمایه‌اش، بر ولایت قرار گرفته و تعریف شده است؛ ولایت به معنای معرفت، محبت و پیروی از خلفای الهی؛ ولایت انسان‌هایی که مظاهر اسمای جمال و جلال الهی‌اند و واسطه فیض و فضل ربوبی.

کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد»<sup>۱</sup>.

«أَوْ مَنْ كَانَ مِنَّا فَأَخْبَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ؛ آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، [= کافر بود و ایمان آورد] و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود»<sup>۲</sup>.

که آنان هدایت به امر داشته و سالک را بر اساس استعدادهای ذاتی و اکتسابی‌اش، تا آخرین مراحل تکامل به پیش می‌برند و غیر از ارائه طریق،

بینش، گرایش، کنش و واکنش‌های او تحت تأثیر آن آموزه‌ها و گزاره‌ها است، به یقین به سعادت می‌رسد و مشرب و مسلک آنان را یافته و در مسیری قدم می‌گذارد که قدمگاه صدق و سپس قرارگاه صدق است که فرمود: «وَيُشِرُّ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صَدَقَ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛ و به کسانی که ایمان آورده‌اند بشارت ده که برای آنها، سابقه نیک [حسب نامی و پاداش] نزد پروردگارشان است»<sup>۱</sup> یا «لَنْ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ، فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ؛ به یقین پرهیزکاران در باغ‌ها و نه‌رهای بهشتی جای دارند، در جایگاه صدق نزد خداوند حاکم مقتدر»<sup>۲</sup> یعنی «عند الرب» و «عند الله» خواهد شد و بین جنبه‌های خلقی و حقّی در ساحت سلوک جمع خواهد



ایصال به مطلوب می‌کنند؛ چنانکه فرمود:

«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لِنَاصِرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوْقِنُونَ؛ و از آنان پیشواییانی قرار دادیم که به امر ما (مردم را) هدایت می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند»<sup>۱</sup> یا «و جعلناهم أئمةً يهدون بأمرنا؛ و آنان را پیشواییانی قرار دادیم که به امر ما، (مردم را) هدایت می‌کردند»<sup>۲</sup>.

### معیار انتخاب استاد

با وجود چنین آموزگارها و آموزه‌هایی، عقلانی است که انسان اگر به دنبال استاد راه و پیر طریقی نیز می‌گردد لازم است پیر طریقی را نیز با چنین معیارهایی سنجش و ارزیابی کند، و عالمی زاهد و ربانی را به عنوان استاد انتخاب کند که بر نظام فکری او ولایت محوری حاکم باشد و شاگردان را نیز به قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام دعوت کند نه به خود، و مگر همه افتخار استادان سیر و سلوک در ساحت عرفان اسلامی، این نبود و نیست که سلسله آنها در نهایت به امامان هدایت و نور وصل می‌شود؟ و همه عزت و آبروی آنها در همین است که به امیرالمؤمنین علیه‌السلام ارتباط دارند؟ حال که ما طبق اندیشه شیعی و عرفان اهل‌بیت علیهم‌السلام به چنین سرچشمه‌های زلالی متصل هستیم، چرا چشم به چهره‌های دیگر بگشاییم که قطب سالک قرآنی، باید مقام امامت و ولایت داشته باشد. واژه «قطب» در سخنان حضرت علی علیه‌السلام

در جریان امامت شناسی آمده است:

«أَنْ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقَطْبِ مِنَ الرَّحَى»<sup>۱</sup> که انسان کامل معصوم علیه‌السلام امام مبین است و جامع جمیع مراتب علم و عمل و مصداق فرقان<sup>۲</sup>.

□

کرد. به تعبیر علامه طباطبایی:

در ثبوت و تحقق صراط ولایت که در آن انسان مراتب کمال باطنی خود را طی کرده و در موقف قرب الهی جایگزین می‌شود، تردیدی نیست.<sup>۲</sup>

□

آری؛ انسان ولایی می‌تواند در پرتو ولایت معصوم، به مراتبی از ولایت یعنی انکشاف واقعیات باطنی، قرب و فناء حق دست یابد و راه توحید را در پیش گیرد، تا به اوج عرفان که توحید ناب است، برسد.

□

سالک، تحت تدبیر و راهبری ولی خدا می‌تواند به معرفت‌های شاهدانه و عشق و محبت‌های صادفانه واصل شود، و در همه مراحل از حقیقت حکایت دارد نه مجاز و خیال، تا از همه حجاب‌ها از جمله حجاب خودیت خارج شود و به محبوب برسد.

□

بنابراین ولایت‌پذیری انسان کامل و حجت الهی است که انسان را از ولایت شیطان به ولایت رحمان و از جهل به مراتب عالی نور و علم سوق و سیر می‌دهد. دل چنین سالکی، تنها با یاد و نام خدا آرام گرفته و غایتی جز قرب الی الله و لقاء رب ندارد. او، پیوسته در بستان یاد خدا به تفرج پرداخته و در گلستان رضای الهی سیر می‌کند و حیات معقول و معنوی یا حیات طیبه تحصیل می‌نماید و با نور خدا زندگی می‌کند. ولایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عترت پاکش علیهم‌السلام و استجاب دعوت آنها در قول و فعل، عامل حیات جاودانه و آرامش پایدار و نورانیت و معنویت حقیقی و ماندگار خواهد شد؛ چنانکه فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ ای



علامه طباطبایی رحمته فرمود:

در تفسیر آیه «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهِنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا» و (یاد کنید) هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با دستوراتی آزمود؛ و او به طور کامل از عهده آنها بر آمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. امام آن شخص هادی است که موجودات را از جنبه ملکوتی هدایت و رهبری می‌کند. مقام امامت، یک نوع ولایت باطنی بر اعمال مردم است که توأم با هدایت می‌باشد. هدایت، اینجا به معنای رساندن به مقصود است، نه تنها راهنمایی و ارائه طریق که کار پیغمبران و رسولان، بلکه عموم مؤمنانی است که از راه موعظه و نصیحت، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند. <sup>۱۱</sup>

است:

«ایها الناس! ان الله عزوجل ذكره ما خلق الخلق الا ليعرفوه، فاذا عرفوه عبده و اذا عبده استغنوا بعبادته عن عبادة ماسواه». فقيل رجل: «يا بن رسول الله! ما معرفة الله عزوجل؟» فقال: «معرفة اهل كل زمان امامهم الذي يجب عليهم طاعته». <sup>۱۲</sup> در این حدیث حسینی، عرفان به خدا با عرفان به امام و امامت و اطاعت از او معنا شده است. این است که فرمودند:

بنا عبد الله و بنا عرف الله و بنا وحد الله تبارك و تعالی <sup>۱۵</sup>

پس عرفان بی ولایت، عرفان نیست و انسان را به مقصد اعلا نمی‌رساند. میان عبادت‌ها و آموزه‌های اسلامی، چیزی مهم‌تر و با ارزش‌تر از «ولایت» نیست؛ چنانکه فرمود:

و لم يناد بشيء مانودي بالولاية يوم الغدير <sup>۱۶</sup>

مثل اهل بیت علیهم السلام مثل کشتی نوح معرفی شده است که هر کس

آری؛ پیامبر و امامان علیهم السلام قطب، ولی الله و خلیفه الله، بوده و صلاحیت راهنمایی و رهبری را دارا هستند. انسان بیدار و بینا در ناحیه سیر و سلوک، خویشتن را تنها و تنها به آنان و شاگردان

داخل آن شود، نجات یافته و هر کس آن را ترک کند، غرق و نابود می‌شود. <sup>۱۷</sup> در تفسیر المیزان آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: آیه «يا ايها الذين آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحییکم» درباره ولایت علی علیه السلام نازل شده است. <sup>۱۸</sup> پس اسلام مبتنی بر نبوت و امامت، عرفان متکی بر نبوت و امامت را ارائه می‌دهد و «ولایت» در سیر و سلوک اسلامی و قرآنی؛ نقش کلیدی دارد. در تفسیر «اهدنا الصراط المستقیم» از ابن عباس نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قولوا - معاشر العباد - اهدنا الی حب التبی و اهل بیته» <sup>۲۰</sup> پس هندسه عرفان عملی و سیر و سلوک و حیاتی براساس معرفت و محبت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و عترت پاکش ترسیم شده است؛ چه اینکه محبت به انسان کامل معصوم صلی الله علیه و آله اگر از سر معرفت حقیقی و اطاعت‌پذیری خالصانه باشد، سالک را به غایت عارفان و نهایت آمال مشتاقان می‌رساند و هرگز انحراف، التقاط،

يا ايها الذين آمنوا

استجبوا لله وللرسول

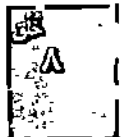
اذا دعاكم لما يحييكم

سوره مبارکه انفال، آیه ۲۴

راستین آنان یعنی علمای ربانی زاهد راه رفته می‌سپارد، تا ذره‌ای از صراط مستقیم سلوک منحرف نشود؛ پس عرفان منهای ولایت، در حقیقت، عرفان نیست چه اینکه ولایت، مَخ و اساس عرفان است. □

از دیدگاه قرآن، سیر و سلوک منهای «ولایت» معنایی ندارد؛ لذا استجابت دعوت خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و داشتن «ولایت» اهلیت عصمت و طهارت صلی الله علیه و آله که توأم با معرفت به حق آنان و محبت حقیقی به آنها است، دارای اصالت و موضوعیت است؛ زیرا سالک، راه به جایی نمی‌برد، مگر از رهگذر کوی ولای چنین انسان‌هایی که حجت خدای وجه رب و کلمه تامه حق هستند. امام سجاد علیه السلام فرمود:

«نحن ابواب الله و نحن الصراط المستقیم» <sup>۱۹</sup> صراطی که به تعبیر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: «أدق من الشعر و أخذ من السیف و أظلم من اللیل» <sup>۲۱</sup> است، در سنت و سیره علمی و عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت پاکش علیهم السلام ظهور و تجلی می‌یابد. در حدیثی از امام حسین علیه السلام آمده



تحریف، تحجر و تجدّدگرایی محض که از آسیب‌های عرفان‌های صوفیانه، مدرنیستی و نوپدید و یکسونگرانه هستند، دامن‌گیر او نمی‌شوند.

در عرفان ولایی، درونگرایی و برونگرایی، درد خدا و خلق، عبادت خدا و خدمت به خلق، اعتدال، و پرهیز از افراط و تفریط، مورد عنایت است. عارف سالک، رقیقه‌ای از حقیقت وجودی انسان کامل است؛ چه اینکه پیر طریق و شیخ راه و مُراد او، خلفای الهی و حجج بالغه حق هستند و چنین سالکی هرگز از صراط شریعت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انحراف نیافته و عرفان را وسیله‌ای برای دکان‌داری و تورّم نفس شیطانی خویش و فریب مردم قرار نمی‌دهد؛ پس معنویت و قرب حاصل از چنین سیر و سلوکی، دارای عطر محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علوی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام است. پیامبر، علی و فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام محور اصلی و قرارگاه نهایی چنین عارفان و سالکانی هستند و فرزندان فاطمه و علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام عهده‌دار هدایت این دسته از سالکان مجذوب یا مجذوبان سالک خواهند بود؛ بنابراین عرفان قرآنی و سلوک وحیانی، مبتنی بر عنصر «ولایت‌گرایی» است و مراحل و منازل چنین سیر و سلوکی بزم مدار ولایت می‌گردد.

پی‌نوشت:

۱. سوره یونس؛ ۲.
۲. سوره قمر؛ ۵۴-۵۵
۳. شبیه، محمد طباطبایی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، اول، ۱۳۸۷، بوستان کتاب قم.
۴. سوره انفال؛ ۲۴.
۵. سوره انفال؛ ۱۲۲.
۶. سوره سجده؛ ۲۴.
۷. سوره انبیاء؛ ۷۳.
۸. نهج البلاغه، ج ۳.
۹. ر.کد تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۶۹، المیزان ج ۱۷، ص ۷۲، تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۲، ص ۲۱۲ و...
۱۰. سوره بقره؛ ۱۲۲.
۱۱. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۶.
۱۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲.
۱۳. باریک‌تر از مو، برنده‌تر از شمشیر و ظلمانی‌تر از شب است. (ر.کد علم‌الباقین، ملامحسن فیض کاشانی، ص ۶۹)
۱۴. «ای مردم! پروردگار عالم، آدمی را نیافرید مگر برای آنکه او را بشناسد و هنگامی که او را شناختند به عبادت او برخیزند و در اثر بندگی او، از عبادت ماسوای خداوند بی‌نیاز شوند». مردی پرسید: «ای پسر رسول خدا صرفت خدا چیست؟» فرمود: «صرفت به امام وقت؛ همان امامی که طاعت او بر بندگان خدا واجب شمرده شده است». بحرالمناقب، ص ۱۲۸، لمعات الحسین عَلَيْهَا السَّلَام، علامه سیدمحمدحسین حسینی تهرانی، ص ۲.
۱۵. کافی، ج ۱، ص ۱۴۵.
۱۶. همان، ج ۲، ص ۲۱.
۱۷. بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۳، ج ۳، ص ۱۰۵.
۱۸. سوره انفال؛ ۲۴.
۱۹. تفسیرالمیزان، ج ۹، ص ۷۸.
۲۰. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۸۷ و ر.کد پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ج ۹، ص ۴۱۰.

فروتنی دل

قال امیر المؤمنین

من بر آنچه که در دستم است، بی‌شمار بزرگوارانم

امیر مؤمنان عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

اگر دل آدمی بر آن خدا فروین باشد، پس او از طاعت خدا

خسب نیابد.

تفسیر المیزان

انداخته و وقت آن که در صدد اصلاح نفس برآید و برای علاج

امراض آن قدمی بردارد.

برای اصلاح نفس آن جوانی سزاوارتر است زیرا که هم از آرزو

قوی‌تر است و هم کم‌دورتر و ظلمت نفس را کمتر است و به فطرت

نزدیک‌تریم و هم باز بصیرت زیاد نشده که چیزی از آن مشکل

باشد.

در آیه تیری اصلاح نفس بسیار مشکل است.